



## مفهوم و جایگاه سنت، از نگاه اسلام و مسیحیت

پدیدآورده (ها) : نصیری، علی

علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزہ :: زمستان 1389 - شماره 1

از 4 تا 31

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/867361>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث

تاریخ دانلود : 06/08/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# مفهوم و جایگاه سنت، امرنگاه اسلام و مسیحیت

علی نصیری

## چکیده

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مباحثی که می‌بایست در بررسی تطبیقی میان دو دین زنده و پویای کنونی جهان؛ یعنی، اسلام و مسیحیت مورد توجه قرار گیرد، بازشناخت منابع دین‌شناخت آن‌هاست؛ زیرا تمام آموزه‌ها و گزاره‌های دینی اسلام و مسیحیت به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از آن منابع و آتش‌خورها بهره می‌گیرد و به همان میزان که بازشناخت هر یک از آموزه‌های این دو دین آسمانی و به‌ویژه مطالعات تطبیقی میان آن‌ها از اهمیت برخوردار است، در مرحله‌ای بس مهم‌تر شناخت ماهیت و جایگاه منابع این آموزه‌ها دارای اهمیت است. این منابع به طور کلی عبارت است از: کتاب آسمانی (قرآن، کتاب مقدس) و سنت.

با توجه به این که سنت در اسلام و مسیحیت به‌عنوان مفسر و شارح یا به‌عنوان مبین آموزه‌های مسکوت گذاشته شده، در قرآن و کتاب مقدس نقش آفرینی می‌کند، در این مقاله، مفهوم جایگاه و کارکرد سنت از نگاه این دو دین آسمانی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور در بخش نخست مقاله، سنت در مفهوم اسلامی به‌معنای قول، فعل و تقریر معصوم دانسته شده است؛ البته با این تفاوت که سنت از نگاه شیعه شامل: پیامبر اکرم و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است؛ اما سنت از نگاه اهل سنت، شامل قول، فعل و تقریر پیامبر اسلام و از نگاه شماری اندک، شامل سنت صحابه نیز است.

سنت از نگاه اندیش‌وران مسلمان، به‌عنوان دومین منبع دین‌شناخت به رسمیت شناخته شده است. در مقابل، سنت از نگاه متالهان مسیحی، شامل آن دسته از آموزه‌ها و اعمال کلیسا است که از آغاز تاکنون خودنمایی کرده است. از نگاه متکلمان مسیحی ارباب کلیسا با بهره‌مندی از فیض و الهام روح القدس، افزون بر شایستگی تفسیر منحصرانه از کتاب مقدس، می‌تواند بیان‌گر آن دسته از آموزه‌ها و مناسک مسیح باشد که به دلایلی در کتاب مقدس، مسکوت گذاشته شده است. در این مقاله ضمن مقارنه این دو نگرش، نگرش مسیحیت درباره‌ی کارکرد سنت از جهاتی نقد شده است.

## واژگان کلیدی: قرآن، کتاب مقدس، سنت، قول، فعل، تقریر معصوم، تفسیر، نوگستری، کتاب مقدس،

آباء مقدس، اعتقادنامه، نهضت اصلاح‌گرایان اقتدارگرا، نهضت اصلاح‌گرایان بنیاد ستیز.

## مقدمه

یکی از بحث‌هایی که در الهیات اسلامی و مسیحی به صورت مشترک، توجه شده است، مفهوم، جایگاه و کارکرد سنت است؛ زیرا در هر دو دین، قرآن یا کتاب مقدس به‌عنوان کتاب آسمانی و متنی که از رهگذر وحی (= قرآن) یا الهام (= کتاب مقدس) پیام‌ها و آموزه‌های خداوند را به انسان‌ها ابلاغ کرده و به رسمیت شناخته شده است؛ اما با این حال، میان اندیش‌وران هر دو دین، از این



حلیث  
عالمی  
تخصصی  
علی  
فصلنامه

جهت هم‌صدایی وجود دارد که معتقدند از آن جهت که کتاب آسمانی نیازمند تفسیر و ابهام‌زدایی است، یا از آن جهت که کتاب آسمانی بیان پاره‌ای از مسایل و آموزه‌های دینی را مسکوت گذاشته، نیاز به سنت به عنوان مفسر کتاب آسمانی، یا منبعی مستقل در ارایه‌ی آموزه‌های دینی نوین، اجتناب‌ناپذیر است؛ اما با این حال، مفهوم، کارکرد و گستره‌ی سنت در مسیحیت با آنچه در اسلام از سنت تعریف شده، تفاوت‌های ماهوی و اساسی دارد. مقصود از سنت در اسلام گفتار یا رفتار معصوم است که در زمانی خاص، به منصه‌ی ظهور رسید؛ اما متالهان مسیحی مقصود از سنت را، آموزه‌ها و اعمال کلیسا در طول دوران از آغاز تاکنون می‌دانند.

نگارنده در این مقاله، نخست به بررسی مفهوم، کارکرد و جایگاه سنت از نگاه اندیش‌وران مسلمان و متالهان مسیحی به

طور جداگانه می‌پردازد و در پایان به هدف مقارنه و

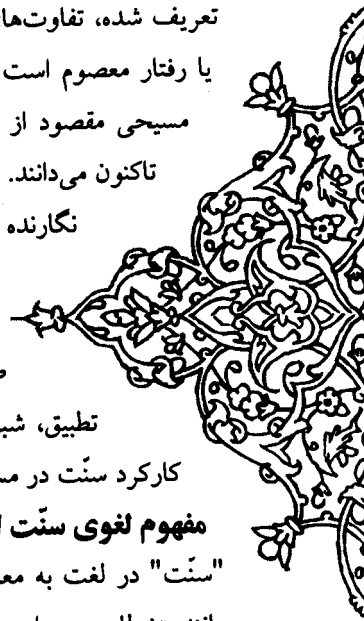
تطبیق، شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نگرش را بیان کرده و نشان می‌دهد که کارکرد سنت در مسیحیت اشکالات بسیاری دارد.

### مفهوم لغوی سنت اسلامی

"سنت" در لغت به معنای سیره، شیوه و روش است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۹۹) گرچه بعضی مانند «خطابی» و «ازهری» آن را مختص به شیوه‌ی صحیح دانسته‌اند (دینی، ص ۹، ج ۱، ص ۳۳۱)؛ (مکرم، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱)؛ اما از نظر عموم واژه شناسان، این کلمه می‌تواند شامل شیوه‌ی صحیح و ناصحیح و خوب و بد شود. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۹۹)؛ (دینی، ص ۹، ج ۱، ص ۳۳۱) چنان‌که در روایتی از پیامبر اکرم آمده است: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا»؛ کسی که سنت نیکی را بنیان نهد برای اوست پاداش آن و پاداش کسی که به آن سنت تا روز قیامت عمل کند. و کسی که سنت بدی را بنیان گذارد، گناه آن و کسی که به آن عمل کند، بر دوش او خواهد بود. (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۰۲)

«کسایی» سنت را به معنای دوام دانسته است. وقتی گفته می‌شود: «سنتت الماء»؛ یعنی، پی در پی آن را ریخته است. چنان‌که به سنت، شیوه عادت شده نیز گفته شده است. (ابن حجر، ص ۱۳۹، ج ۱، ص ۵۲)؛ (ابن حجر، ۱۳۰۶، ص ۵۲)

این واژه ۱۶ بار به صورت مفرد و جمع (= سنن) در قرآن تکرار شده است. در بیشتر آیات،



سنت به خداوند نسبت داده شده است نظیر: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا». درباره‌ی کسانی که پیش‌تر بوده‌اند (همین) سنت خدا (جاری) است و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت. (سوره احزاب، آیه ۶۲) در مواردی نیز به گذشتگان و امت‌های پیشین نسبت داده شده است؛ نظیر: «وَيَهْدِيكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (سوره نساء، آیه ۲۶) «فَقَدْ مَصَّتْ سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ» (سوره انفال، آیه ۲۸) چنان‌که از ظاهر آیات، آشکار است، واژه‌ی «سنت» در آن‌ها به معنای سیره و شیوه‌ی خداوند با پیشینیان ارایه شده است. به نظر می‌رسد در مفهوم لغوی این واژه، دو عنصر معنایی دخالت دارد:

۱. راه بدین جهت راغب سنت الهی را به معنای راه حکمت و اطاعت الهی معنا کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۱، ص ۲۲۵)
  ۲. دوام و استمرار؛ به این معنا که صرفاً به راه و طریق اطلاق نمی‌گردد؛ بلکه در صورتی که آن راه و طریق در اثر تکرار و استمرار، دارای دوام و بقا گردد به آن سنت گفته می‌شود. بر این اساس، اگر کسی یک یا چند بار محدود و غیرمستمر کار خوب یا بدی را انجام دهد، نمی‌گویند سنت خوب یا بد او چنین است. از این جهت تا حدودی مفهوم سنت با مفهوم عادت نزدیک است، هر چند در مفهوم سنت، آگاهی و اراده نقش فعال‌تری دارد.
- مفهوم اصطلاحی سنت اسلامی**

در مفهوم اصطلاحی «سنت» که به معنای قول و فعل و تقریر پیامبر یا معصومین (علیهم‌السلام) و یا بنا بر نظر گروهی از عالمان اهل سنت، قول، فعل و تقریر صحابه و تابعان است، دو عنصر معنایی پیش‌گفته؛ یعنی، راه و استمرار لحاظ شده است و آنچه که با عناوین سه‌گانه: قول، فعل و تقریر یا طبق نظر برخی دیگر با افزودن کتابت از آن یاد شده در حقیقت بسترهای ظهور و تجسد آن شیوه‌ی مستمر است. از این جهت، راغب سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به معنای «طریقه‌ی الی‌کان یتخراها»؛ راهی که پیامبر دنبال می‌کرد. (راغب، پیشین) دانسته و گروهی نیز با عنوان «کل ما صدر عن النبی»؛ هر آنچه که از پیامبر صادر شده (حکم، پیشین، ص ۱۲۲) از آن یاد

کرده‌اند. این سه عنوان در حقیقت، ناظر به سیره‌ی گفتاری و رفتاری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ چه، تقریر نیز نوعی از رفتار است.

در برخی از تعاریف اصطلاحی سنت قید "عدم تصریح در قرآن" به آن افزوده شده است. به‌عنوان مثال؛ شاطبی می‌گوید: «یطلق لفظ السنة علی ما جاء منقولاً عن



لنبي على الخصوص، مما ينص عليه في الكتاب لعزیز، بل انما نص عليه من جهتہ کان بیاناً  
 لما فی لکتاب اولاً؛ لفظ سنت بر آنچه که منحصرأ از پیامبر نقل شده، اطلاق  
 می‌شود. با این شرط که در قرآن بر آن تصریح نشده باشد؛ بلکه تنها از ناحیه  
 پیامبر بدان تصریح شده باشد؛ اعم از آن‌که در راستای تبیین قرآن باشد یا نه.  
 (شامل: ۱۴۳۳، ص ۶۷۱)

گستره مفهوم اصطلاحی سنت

درباره‌ی گستره‌ی مفهوم اصطلاحی «سنت» از این جهت اختلاف شده است که آیا  
 سنت منحصر به قول، فعل و تقریر پیامبر (ﷺ) است، یا قول، فعل و تقریر  
 معصومان (= شامل ائمه دوازده‌گانه و فاطمه (علیها السلام)) یا صحابه و احیاناً تابعان را  
 در بر می‌گیرد؟ سه نظریه در این باره ارایه شده است:

۱. سنت منحصر به قول، فعل و تقریر پیامبر است. این دیدگاه از سوی شماری از  
 عالمان اهل سنت و برخی از عالمان شیعی، تصریح شده است. «شافعی» تصریح  
 می‌کند که سنت به‌طور مطلق منحصر به سنت پیامبر است. (سرخسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۳)

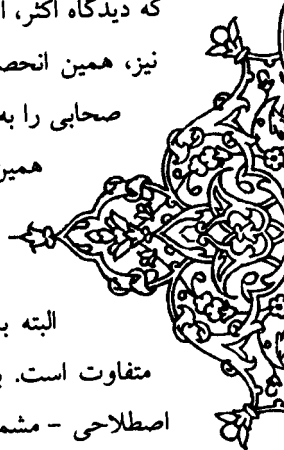
غزالی و رازی نیز با نفی حجیت قول صحابی، بر همین رأی هستند. «آمدی» نیز معتقد است  
 که دیدگاه اکثر، انحصار سنت به سنت پیامبر است. از ظاهر تعریف سنت در گفتار «ابن حجر»  
 نیز، همین انحصار به دست می‌آید و دیدگاه تمام صاحب‌نظران اهل سنت که حجیت قول  
 صحابی را به‌خاطر کاشف بودن آن از سنت پیامبر دانسته‌اند، به‌صورت غیرصریح، ناظر به  
 همین دیدگاه است؛ زیرا آنان عملاً برای گفتار صحابه اعتباری قایل نشده‌اند.

در میان عالمان شیعی، این انحصار به شیخ مفید نسبت داده شده است.

(شیخ مفید، ۱۴۱۲، ص ۷؛ (صکری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶)

البته به این نکته باید توجه داشت که اطلاق سنت و قول صحابی با اعتبار آن  
 متفاوت است. به‌عبارت روشن‌تر ممکن است کسی قول صحابی را در اصطلاح - کاربرد  
 اصطلاحی - مشمول سنت بداند؛ اما در عین حال آن را حجیت ندادند. از این جهت در گفتار  
 مدافعان یا منکران حجیت سنت صحابه یا تابعان باید دقت شود که آیا آنان قول صحابه یا  
 تابعی را جزو سنت نمی‌دانند، یا معتقدند سنت غیرمعتبر است.

۲. سنت قول، فعل و تقریر معصوم را دربر می‌گیرد. این دیدگاه از سوی عموم یا همه‌ی  
 محدثان شیعه ارایه شده است؛ گرچه برخی از آنان در کنار عنوان پیامبر، از عنوان امام استفاده  
 کرده‌اند (شیخ بهائی، ۱۴۰۱، ص ۶۸)؛ اما به‌خاطر عدم شمول لفظ امام نسبت به فاطمه (علیها السلام) عموماً از



اصطلاح «معصوم» استفاده کرده‌اند. (قرن، برتا، ص ۳۰۹)؛ (صنوبر، برتا، ص ۵۵۱)؛ (مظفر، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۵۷) به عنوان مثال؛ «مامقانی» پس از نقل عبارت «ابن حجر» چنین آورده است: «و تعبیره بالنبی مبنی علی مذهبه و اما علی مذهبنا فیعمّ ما امر به و نهی عنه و بیته اهل بیته المعصومون.» (مماقانی، ۱۴۱، ج ۱، ص ۳۹)؛ انحصار سنت بر پیامبر بنا بر مذهب ابن حجر است؛ اما بر مذهب ما سنت، امر و نهی پیامبر و امامان معصوم را در بر می‌گیرد.

ایشان معتقد است، بهترین تعریف سنت این است: «قول من لا یجوز علیه لکذب و الخطأ و فعله و تقریره غیر قرآن و غیر عادی»؛ سنت قول، فعل و تقریر کسی است که کذب و خطا در او راه ندارد، با این شرط که قرآن نباشد و جزو امور عادی به حساب نیاید. (همان.) قید «غیر قرآن» برای جدا ساختن «حدیث قدسی» از قرآن، افزوده شده و قید «غیر عادی»، ناظر به اختلاف دوم پیش گفته است. آوردن عبارت: «من لا یجوز علیه لکذب و الخطأ» تعریفی از معصوم است که بیانگر حکمت این توسعه در مفهوم سنت نیز است؛ به عبارت دیگر، از آنجا که در روح معنایی اصطلاح سنت، پیروی و تأسی مطمح نظر است، از این رو، عصمت آن که سنت به او نسبت داده شده، ضروری است.

در تعریف محقق قمی نیز چنین آمده است: «هی قول المعصوم او فعله او تقریره الغیر الهدیات» (قرن، برتا، ص ۲۰۹) سنت، عبارت است از قول یا فعل یا تقریر غیر عادی معصوم....

۳. سنت قول، فعل و تقریر صحابه و احياناً تابعان را در بر می‌گیرد؛ عموم صاحب نظران و محدثان اهل سنت بر این رأی‌اند. ابن حجر عسقلانی معتقد است، بر اساس نظر اکثر عالمان اهل سنت، سخن صحابی جزو سنت است. (مستقل، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۵۸) حاکم نیشابوری پس از نقل سخن ابن عباس که گفته است: «نماز میّت جهری است»، چنین افزوده است: «و قد اجمعوا علی قول الصحابی سنة بحیث مسند». علما اجماع کرده‌اند که گفتار صحابه سنت و حدیث مسند است. (به نقل از همان.)

صریح‌ترین سخن در این باره، گفتار «شاطبی» (م ۳۷۸) است، او در این باره چنین

آورده است: «و یطلق ایضاً لفظ السنه علی ما عمل علیه العظيمة، وجد ذلك فی لکتاب أو السنه اولم یوجد، لکونه اتباعاً لسنه ثبتت عندهم لم تنقل الینا، او اجتهاداً علیه منهم او من خلفائهم. فان اجماعهم اجماع و عمل خلفائهم راجع ایضاً الی حقیقة الاجماع» هم چنین لفظ سنت بر آنچه صحابه بدان عمل کرده‌اند، اطلاق می‌شود، اعم از



آن که در کتاب و سنت یافت شود یا نه؛ زیرا عمل صحابه پیروی از سنتی است که برای آنان ثابت شده، هر چند برای ما نقل نشده است، یا مبتنی بر اجتهاد آنان یا جانشینان آنان است و اجماع صحابه اجماع و عمل جانشینانشان در حقیقت به اجماع بازگشت دارد. (شاطبی، ۱۳۳۳، ص ۶۷۱ و ۶۷۲)

"شاطبی" برای اثبات شمول سنت نسبت به عمل صحابه دو استدلال آورده است:

۱. عمل آنان برخاسته از سنت پیامبر است که به هر دلیل به دست ما نرسیده است.

۲. اجتهاد صحابه در صورتی که با اجماع همراه باشد، سنت است. بر اساس دلیل نخست، سنت صحابه تنها از آن جهت که کاشف از سنت پیامبر (ﷺ) است، سنت محسوب شده و در حقیقت بازگشت به سنت پیامبر دارد؛ اما از دلیل دوم او، استقلال کامل عمل صحابه در مضمول سنت بودن استفاده می‌شود. "شاطبی" برای دفاع از دیدگاه خود به شواهد تاریخی مختلفی هم چون سنت صحابه درباره‌ی حدّ شراب‌خواری<sup>۱</sup>، جمع قرآن، و ادار ساختن مردم به یک قرائت در میان قرائات هفتگانه‌ی قرآن استناد کرده است. دیدگاه و ادله‌ی "شاطبی" پس از او مورد اقبال بسیاری از صاحب نظران اهل سنت قرار رفت؛ به عنوان مثال، محمد عجاج خطیب با نقل عبارات شاطبی، بر آن صحه گذاشته است. (شاطبی، ۱۳۰۹، ص ۱۵ و ۱۶)

استناد به روایاتی منسوب به پیامبر اکرم هم چون «علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين المهدیین» (در مسند ابوداؤد، ۱۱۱۳، ص ۱۵۸) و نیز روایت: «اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم» (ترمذی، ۱۳۱، ص ۱۵۸ و ۱۵۹)؛ (صغری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۱۳) از جمله دلایل مدافعان این نظریه است. برخی از محققان و عموماً متاخران، تابعان را نیز به صحابه افزوده‌اند.

"شهید ثانی" در تعریف "خبر و حدیث" چنین آورده است: «و اعم من أن یکون قول الرسول و الامام و الصحابی و التابعی و غیرهم و فی معناه... فعلهم و تقریرهم»؛ حدیث اعم است از سخن رسول، امام، صحابی، تابعی و دیگران و فعل و تقریر آنان نیز در حکم سخنانشان است.

(شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۸)

۱. می‌گویند حدّ شراب‌خواری در دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مشخص نبوده لذا عمر در دوران حکومت خود با مشورت با صحابه هشتاد نوزده را برای آن مقرر کرد. (رک: همان، ص ۶۷۳)

## جایگاه سنت

### ارزیابی جایگاه "سنت" از چهار جهت:

۱. از نگاه قرآن؛

۲. از نگاه روایات؛

۳. از نگاه عالمان مسلمان؛

۴. از نگاه کارکرد و نقش عملی سنت.

قرآن از دو منظر جایگاه سنت را تبیین نموده است:

اول: تبیین حجیت سنت که بالطبع در کنار اثبات حجیت سنت، جایگاه سنت به عنوان دومین منبع و آتش خور دست‌یابی به اوامر و نواهی خداوند را نیز به اثبات می‌رساند.

دوم: قرآن غیر از دریافت و ابلاغ وحی، تبیین و تفسیر قرآن را نیز جزء مسئولیت‌های پیامبر اکرم دانسته است. آن‌جا که آورده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَسْفَحُونَ» (سوره نحل، آیه ۶۴) و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند. بر اساس این آیه، قرآن به سبب ویژگی‌های خاص خود، نیازمند تفسیر و تبیین است و این تفسیر به پیامبر و در پی ایشان به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) واگذار شده است.

افزون بر این، قرآن سنت را یکی از مراجع حل اختلافات مردم - اعم از اختلافات فکری و مرافعات جاری - دانسته است. آن‌جا که آورده است: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (سوره نساء، آیه ۵۹)؛ پس هرگاه دارای اختلاف نظر باشید، آن را به خدا و پیامبر عرضه بدارید. مقصود از رسول، بنا به تفسیر حضرت امیر، سنت پیامبر است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵)

در جایی دیگر "اولوالامر" نیز بر پیامبر افزوده شده است: «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (سوره نساء، آیه ۵۸) و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع دهند، به قطع از میان آنان کسانی هستند که آن را دریابند. مقصود از "اولی الامر" که قادر به استنباط حکم الهی هستند، به تصریح روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند.

جایگاه سنت از نگاه عالمان فریقین را می‌توان از نوع نگرش آنان به سنت در رابطه با قرآن و تصریح آنان مبنی بر این‌که سنت پس از قرآن دومین منبع دین‌شناخت و دومین منبع اجتهاد است و نیز مراجعه‌ی مکرر به سنت در تمام





دانش‌ها نظیر: فقه، کلام، اخلاق و... به‌دست آورد.

مقصود از کارکرد عملی سنت، در نگریستن نقشی است که سنت در تبیین قرآن و تفسیر احکام و گشودن عرصه‌های نو در دین‌شناخت ایفا می‌کند. آنچه با نگریستن در کارکرد سنت به دست می‌آید، این است که در هر یک از موارد کارکرد سنت، اگر سنت کنار گذاشته شود، بسان معماری است که در تکمیل بنا، با کمبود مصالح روبه‌رو می‌شود، در ترسیم بنای دین و اندیشه دینی، دچار چالش می‌گردد.

در روایات نیز بر نقش سنت تأکید فراوان شده است؛ زیرا با صرف‌نظر از روایاتی که تصریح می‌کنند که بازگویی بخشی از شریعت به سنت واگذار شده، در احادیث با آمدن مضامینی هم‌چون: «ما من شیء الا وفیه کتاب و سنه» (کلی، ۵۹) بر این نقش کلیدی و تکمیلی سنت تأکید شده است.



ثقة الاسلام "کلینی" در کتاب کافی در فصل «الحجه» در نخستین باب آن تحت

عنوان «الاضطرار الی الحججه» روایاتی را در این‌باره آورده است.<sup>۱</sup> در این روایات در کنار تأکید بر جایگاه بلند قرآن در دین‌شناخت، این اصل تأکید شده است که قرآن برای کارآمد شدن و پاسخ‌گویی به تمام پرسش‌های دین‌شناخت، نیازمند سنت است.

### سنت از نگاه مسیحیت

چنان‌که مباحثی درباره‌ی مفهوم، کارکرد و به‌ویژه جایگاه سنت مسیحی در برابر کتاب مقدس خواهد آمد، آنچه متکلمان و عالمان مسیحی درباره سنت مسیحی می‌شناسند، با آنچه محدثان و متکلمان اسلامی از سنت اراده می‌کنند، تفاوت‌های ماهوی بسیاری دارد. برای این که این امر روشن گردد، سنت از نگاه مسیحیت، از سه منظر بررسی می‌شود:

۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی سنت؛

۲. زمینه‌های پیدایش سنت مسیحی؛

۳. جایگاه سنت مسیحی؛

۱. ر. که «باب الرد الی الکتاب و السنه و انه لیس شیء من الحلال و الحرام و جمیع ما یحتاج الیه الا و قد جاء فیه کتاب او سنه» او در این

باب ده روایت را آورده است. (کلی، ج. ۱، ص. ۵۹-۶۲)

## مفهوم لغوی سنت

واژه **(tradition)** در لغت به معنای چیزی است که به دیگری تحویل داده شده است؛ هر چند می‌تواند به معنای «عمل تحویل دادن» نیز باشد. (السترک گرام، ۱۳۸۱، ص ۳۷)؛ (آریانپور، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۱)؛ این واژه در کارکرد و مرحله استعمال به معنای مختلف هم‌چون سنت، عرف، رسم، سیرت، شریعت، روایت به کار رفته است.

(آریانپور، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۵۳۱)؛ این که چگونه ریشه‌ی لغوی این کلمه از معنای «تحویل دادن» به مفهوم «عرف و رسم» تحول یافته جای پرسش و تأمل دارد؛ اما به هر روی حداقل معنای کلمه **(tradition)** به مفهوم لغوی سنت در زبان عربی - که به معنای رسم، عادت و شیوه به کار می‌رود - نزدیک است.

## مفهوم اصطلاحی سنت

"کالستون ویر" برای مفهوم اصطلاحی سنت، سه کارکرد ذکر می‌کند:

۱. در یک معنای جامع، واژه‌ی سنت شامل کلّ ایمان و عمل مسیحی می‌شود و نه تنها آموزه‌های اعتقادی، بلکه عبادت، هنجارهای رفتاری، تجربه زیستی و قداست را از زمان عیسی مسیح تا امروز در بر می‌گیرد. سنت به این معنای جامع در مقابل کتاب مقدّس قرار نمی‌گیرد؛ بلکه شامل آن نیز می‌شود؛ یعنی، کتاب مقدّس هم در درون سنت وجود دارد.

۲. سنت به معنای محدودتر می‌تواند از کتاب مقدّس متمایز باشد، به طوری که شامل همه‌ی آموزش‌ها و اعمال کلیسایی باشد، نه این که صرفاً متن مکتوب کتاب مقدّس را در برگیرد؛ بلکه در این معنا شامل همه‌ی عقاید و اعمال کلیسا از آغاز پیدایش مسیحیت تاکنون می‌شود.

۳. با این همه، سنت معنای محدودتری نیز دارد؛ به خصوص هنگامی که به شکل اسم جمع (سنن) به کار می‌رود و غالباً دلالت بر یک عقیده یا آیین خاص می‌کند که درباره‌ی آن نمی‌توان داشتن ادعای منشأ الهی کرد. (گروم، ریستگان، ۱۳۴۹، ص ۳۳)

در میان سه مفهوم پیش‌گفته، پیداست که مفهوم سوم از محل بحث خارج است؛ زیرا وقتی عقیده یا آیینی فاقد منشأ الهی باشد، معنا ندارد از آن به‌عنوان حقیقت یا منبعی در کنار کتاب مقدّس - چنان‌که مسیحیان درباره‌ی سنت اصطلاحی مورد نظر خود قایل هستند - یاد شود.

مفهوم نخست پیش‌گفته نیز گرچه تحلیل واقع بینانه‌ای از کارکرد سنت به شمار می‌آید، در عین حال مشابه مفهوم عام سنت در اصطلاح اسلامی است؛ زیرا مسلمانان نیز گاه از مجموع آموزه‌های انعکاس یافته در قرآن و سنت نبوی و ولوی با عنوان «سنت دینی» یاد می‌کنند؛ اما با این حال فراتر از مفهوم

۱۲

حاجت  
عالمی  
تخصصی  
علی  
فصلنامه

اصطلاحی، سنت مسیحی می‌باشد. چه، در سنت اصطلاحی مورد نظر مسیحیت می‌بایست از سنتی به میان آید که از آن در کنار کتاب مقدس یاد می‌شود، اعم از آن که در طول یا عرض کتاب مقدس باشد. بنابراین از میان سه مفهوم پیش‌گفته تنها کارکرد دوم، به معنای مفهوم اصطلاحی سنت قابل پذیرش است. بر اساس این مفهوم، سنت اصطلاحی عبارت است از «همه آموزش‌ها و اعمال کلیسا از پیدایش مسیحیت تا کنون».

آنچه که "آلیستر مک گراث" درباره‌ی مفهوم سنت؛ بلکه دلایل پیدایش این پدیده آورده است، تا حد بسیار مفهوم اصطلاحی پیش-گفته را تأیید می‌کند، وی می‌نویسد:

«در قرون وسطی، بسیاری از متاهلان معتقد بودند که کتاب مقدس، منبع کامل آموزه‌های مسیحیت است. به عبارت دیگر، هر امرحیاتی برای ایمان مسیحی در

کتاب مقدس وجود دارد و هیچ نیازی نیست که در موضوعات مربوط به الهیات مسیحی به فراتر از کتاب مقدس بنگریم... در پایان قرون وسطی مفهوم «سنت» دارای اهمیت اساسی در تفسیر کتاب مقدس و مرجعیت آن شد... در پاسخ به مناقشات مختلفی که در کلیسای نخستین وجود داشت و به‌ویژه با احساس خطر از ناحیه‌ی آیین گنوسی به تدریج شیوه‌ای «مبتنی بر سنت» برای درک بخش‌هایی از کتاب مقدس مطرح شد.» (آلیستر مک گراث، ۱۳۸۲، ص ۲۹۹-۳۰۰)

در ادامه‌ی مقاله در بررسی علل پیدایش پدیده سنت در میان مسیحیان، دیدگاه این متکلم مسیحی تقویت خواهد شد که وجود مناقشات مختلف در کلیسای نخستین، منشأ اصلی پیدایش پدیده‌ی سنت بوده است. این امر افزون بر آن‌که علت پیدایش این پدیده را تبیین می‌کند، مفهوم و کارکرد سنت اصطلاحی مسیحی را نیز معلوم می‌گرداند. بر این اساس، مهم‌ترین عنصر معنایی سنت مسیحی «دیدگاه‌ها و آموزه‌های کلیسا» است که در آغاز، بیش‌تر به‌صورت غیر مکتوب خودنمایی می‌کرد. البته خاستگاه اولیه‌ی دیدگاه و اعمال کلیسا در آغاز، بیشتر ناظر به تفسیر کتاب مقدس بوده است؛ اما آرام آرام حداقل از نگاه شماری از متکلمان مسیحی، به‌عنوان منبعی مستقل در کنار کتاب مقدس به رسمیت شناخته شد. جان آدام مولر - بنیان‌گذار مکتب کاتولیکی توبینگن - در کتاب «سمبولیسم» که در سال ۱۸۳۲ منتشر شد، درباره‌ی سنت چنین گفته است:

«سنت همان کلام زنده است که در قلوب مؤمنان جاودانه گشته است. به این معنا که معنای



عامی است، تفسیر مقدس قابل اطمینان است. اعلامیه‌ای که در هر موضع مورد بحث و مناقشه از آن سخن می‌گوید، عبارت است از دوران کلیسا، از این‌رو، کلیسا در موضوعات ایمان، داور است. سنت، به معنای عینی، همان ایمان عمومی در همه‌ی اعصار است که با شهادت‌های بیرونی تاریخی تجلی یافته است. به این معنا، سنت معمولاً ضابطه، معیار تفسیر کتاب مقدس و قاعده ایمان است. (همان، ۱۳۳۲، ص ۲۵۶ و ۲۵۷)

### "جان هیگ" بخشی از مصوبه‌ی شورای ترنت را چنین گزارش کرده است:

«شورای ترنت - مربوط به کلیسای کاتولیک - اعلام نمود که این شورا با همان اخلاص و احترامی که تمام کتاب‌های عهد قدیم و جدید را می‌پذیرد و حرمت می‌نهد (زیرا خداوند، نویسنده‌ی آنهاست) همین‌طور، سنتی را که به ایمان و اخلاقیات مبتنی است و به‌عنوان امری که شفاهاً از عیسی مسیح دریافت گردیده یا الهام‌بخش آنها روح‌القدس بوده و همیشه در کلیسای کاتولیک محفوظ است، می‌پذیرد و تقدیس می‌کند.» (جان‌هیگ، ج ۲، ص ۱۲۱)

از این عبارت، چهار نکته قابل استفاده است:

۱. متن مقدس (عهد قدیم و جدید) کلام خداوند است، در حالی که سنت حکایت شده، منقول از عیسی (ﷺ) است.

۲. متن مقدس، از مقوله‌ی نوشتار است. از این‌رو، از آن به «کتاب» (به معنای مکتوب) یاد شده است؛ در حالی که سنت عیسی، از مقوله گفتار (شفاهی) است.

۳. سنت حکایت شده از عیسی مسیح (ﷺ) هم‌چون کتاب مقدس، از قداست کامل برخوردار است.

۴. این سنت، یا به سبب انتساب او به پیامبر آسمانی - حضرت عیسی - که به معنای حکایت‌گری پیامبران از خواست و مشیت الهی است و یا به علت ارتباطش با آسمان، به وساطت روح القدس، مقدس انگاشته شده و قابلیت تمسک و عمل بدان را یافته است.

به نظر برخی از محققان، اصطلاح سنت برای نخستین بار، در نامه‌ی اوّل "پولس" به "قرنتیان" آمده است. آن‌جا که پولس می‌گوید: «من آنچه را به شما می‌گویم از سرورمان عیسی مسیح دریافت کرده‌ام. آن سروری که در شام آخر به او خیانت شد...» (قرنتیان اوّل، ۱۱:۲۳)

در این متن دو نکته قابل توجه است: اوّل این‌که سنت به شکل مأخوذ از عیسی مسیح تلقی شده است. (غلاطیان، ۱:۱۲)؛ (همایون منیر، ۱۳۷۹، ص ۲۲)

دوم این‌که "لویسی" سنت را چنین معرفی کرده است:

۱۲  
حلیث  
عاق  
نخصی  
علی  
صلوات

«ما عیسی مسیح را از طریق سنت، در خلال سنت و در سنت مسیحیان نخستین می‌شناسیم... صرف اندیشه انجیل بدون سنت، در تعارض آشکار با حقایق است.»  
(زبارت، م. گرنیت، دیورت تریسی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱)

### نکاتی درباره‌ی مفهوم اصطلاحی سنت مسیحی

از آنچه درباره مفهوم اصطلاحی سنت آورده شد، نکات ذیل قابل استفاده است:

۱. خاستگاه پیدایش مفهوم سنت مسیحی، پایان قرون وسطی؛ یعنی، از سده‌ی چهاردهم میلادی بوده و پیش از این گرچه سنت به معنای عقاید و اعمال کلیسا دارای کارکرد گسترده‌ای بود؛ اما اظهارنظر درباره‌ی ماهیت، چندوچون، گستره کارکرد مفهوم اصطلاحی سنت - و هر آنچه که می‌توان از آن به نظریه پردازی در این باره یاد کرد - پس از سده‌ی چهاردهم در میان مسیحیان رایج شد.

۲. از دلایل عمده‌ی پیدایش مفهوم و پدیده سنت در دوران پایانی قرون وسطی، بازنگری و بازکاوی اختلافات و مناقشاتی بود که قرن‌ها به صورت‌های مختلف در میان متکلمان مسیحی رواج داشت و کلیسای بزرگان مسیحیت از رهگذر تبیین مفهوم و جایگاه سنت در فکر چاره‌جویی علمی برای رفع این مناقشات برآمدند.

۳. در مفهوم اصطلاحی سنت به این نکته توجه شده که مسیحیت، چه برای تفسیر آموزه‌های مبهمی که در کتاب مقدس آمده و چه برای تبیین آن دسته از اعمال و آموزه‌های مسیحی که کتاب مقدس از آن‌ها ساکت است، به منبعی دیگر به نام «سنت» نیازمند است.

۴. سنت اصطلاحی به این معنا است: «آموزه‌ها و اعمال کلیسا از آغاز تاکنون که ناظر به تفسیر و تبیین کتاب مقدس است یا بازگو کننده آن دسته از آموزه‌هایی است که کتاب مقدس از آن‌ها ساکت است.»

### در این تعریف چند نکته قابل توجه است:

الف. بخشی از سنت اصطلاحی مسیحیت ناظر به آموزه‌هایی که از آن به عقاید یاد می‌شود و بخشی دیگر ناظر به اعمال است که از آن به شریعت تعبیر می‌گردد؛ به عنوان مثال: آموزه‌ی کلیسا مبنی بر «الوهیت» حضرت مسیح و آموزه «تثلیث» یا نجات مربوط به عقاید و قوانین مورد تأکید کلیسا درباره‌ی قربانی و غسل «تعمید» ناظر به اعمال است. عبارت نقل شده از شورای ترنت «سنتی را که به ایمان و اخلاقیات مبتنی است» بیانگر این دو قسم است.

ب. وقتی گفته می‌شود کلیسا، مقصود از آن مجموعه‌ای گسترده از متألهان مسیحی است که حواریان عیسی مسیح، رسولان، آباء مقدس، اسقف‌ها و پاپ‌ها تا امروز را شامل می‌شود که از نگاه مسیحیت دارای اعتبار و قداست است.



ج. کلیسا در برخورد با کتاب مقدس دو نقش ایفا کرده است:

- تفسیر و تبیین آموزه‌های مبهم و چالش‌دار کتاب مقدس نظیر مسأله الوهیت مسیح و آموزه تثلیث؛

- تبیین آموزه‌ها و اعمالی که کتاب مقدس درباره‌ی آن‌ها سکوت کرده است، نظیر آیین غسل تعمید.

۵. سنت مسیحی از دو رهگذر به صورت «مانعه الخلو» اعتبار و حجیت خود را اخذ می‌کند که عبارتند از:

۱. دریافت شفاهی از عیسی مسیح (علیه السلام): چنان‌که پولس آموزه‌های خود را دریافت شده از مسیح می‌داند. پیداست که این کارکرد سنت تنها مختص کسانی است که مسیح را درک کرده باشند و جزو اصحاب و حواری ایشان به شمار روند. این سنت از آن جهت که بسان کتاب مقدس لزوماً مکتوب نیست، می‌تواند شفاهی باشد و از آن جهت که متخذ از آموزه‌ها و اعمال مسیح (علیه السلام) است، دارای اعتبار است. "کالیستون ویر" می‌نویسد: «تا آن‌جا که ما می‌دانیم مسیح هیچ‌گاه آموزش‌های خود را نوشت و کلیسا در آغاز صرفاً به سنت شفاهی متکی بود.»

(مناور هنی، ۱۳۷۹، ص ۲۶)

این مفهوم و کارکرد سنت، درست همان چیزی است که مسلمانان حداقل درباره‌ی بخشی از سنت نقل شده از پیامبر، برای صحابه آن حضرت؛ یعنی، «سنت تقریری» قایل هستند. به این معنا که لزوماً گفتاری خاص یا مکتوب از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد استناد نیست؛ بلکه نوع نگرش و عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان سنت برای ما نقل شده است.

۲. الهام از روح القدس: باید دانست که مفهوم روح القدس در میان مسیحیت با آنچه که در اسلام به کار رفته متفاوت است. مقصود از روح القدس به استناد آموزه‌های اسلامی یکی از فرشتگان بزرگ الهی - جبرئیل یا فرشته‌ای دیگر - است که فیض‌رسانی در بسیاری از عرصه‌های از جمله وحی و الهام به او واگذار شده است. اما مسیحیان روح القدس را یکی از صفات ذاتی خدا دانسته و آن را به معنای «وجود فعال و حیات‌بخش خدا در

مخلوقات» یاد می‌کنند. بدین جهت از آن در کنار پدر و پسر به عنوان یکی از

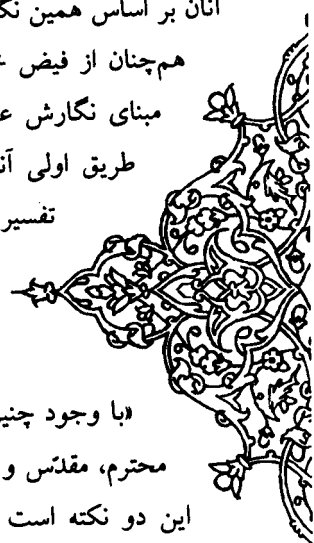
«اقانیم ثلاثه» یاد می‌کنند. (برای تفصیل بیشتر روی پولس فیلی، ۱۳۷۲، ص ۷۹)

بر اساس این نگرش، خداوند از آغاز تا فرجام آفرینش به صورت روحی فعال و حیات‌بخش به صورت مستقیم فیض خود و از جمله الهام را بر بندگان خود به‌ویژه بندگان صالح ارسال می‌کند. متکلمان مسیحی بر اساس همین نگره

۱۶  
حیات  
عقود  
تخصیصی  
علی  
فصلنامه

معتقدند که عهد عتیق و عهد جدید را که نویسندگان عموماً گمنامی در طی ۱۵۰۰ سال فراهم کرده‌اند، نگاهشده‌ی خداوند است؛ نه از این جهت که کتاب مقدس بسان قرآن لزوماً کلام و گفتار خداوند یا حتی املائی او باشد؛ بلکه الهام اوست به نویسندگان کتاب مقدس.

آنان بر اساس همین نگرش معتقدند که متالهان کنونی مسیحی و در رأس آن پاپ هم‌چنان از فیض خاص و الهام روح القدس بهره‌مندند. پس اگر قرار باشد مبنای نگارش عهد عتیق و عهد جدید الهام روح القدس باشد، البته به طریق اولی آنچه را که متالهان مسیحی پس از عروج عیسی به‌عنوان تفسیر کتاب مقدس ارایه کرده یا اعمال و آموزه‌هایی که در موارد سکوت کتاب مقدس بازشناسانده‌اند، سراسر مستند بر چنین الهامی است.



«با وجود چنین الهامی البته سنت مسیحی یعنی آموزه‌ها و اعمال کلیسا

محترم، مقدس و معتبر خواهد بود. عبارت پیش‌گفته از مصوبه‌ی شورای ترنت نشانگر این دو نکته است آن‌جا که در این مصوبه آمده است: «شورای ترنت ... سنتی را که به‌عنوان ایمان و اخلاقیات مبتنی است و به‌عنوان امری که شفاهاً از عیسی مسیح دریافت گردیده یا الهام‌بخش آن‌ها روح القدس بوده ... می‌پذیرد و تقدیس می‌کند.» عبارت «شفاهاً از عیسی مسیح دریافت گردید» ناظر به منشأ نخست؛ یعنی، استناد سنت به دریافت شفاهی از حضرت عیسی و عبارت «یا الهام‌بخش آن‌ها روح القدس بوده» بیانگر نوع دوم؛ یعنی، استناد سنت به الهام روح القدس است.

زمینه‌های پیدایش پدیده سنت در میان مسیحیت با در نگرستن در تاریخ تحولات و مناقشات در میان متکلمان و متالهان مسیحی می‌توان به این نتیجه رهنمون شد که چهار عامل اساسی در پیدایش سنت مسیحی تأثیر مستقیم داشته است که عبارتند از:

۱. پیدایش اختلافات گاه دامنه‌دار در حدود و ثغور کتاب مقدس؛
۲. پیدایش اختلاف در فهم و تفسیر کتاب مقدس؛
۳. سکوت کتاب مقدس از تبیین برخی از آموزه‌ها و اعمال مسیحی؛
۴. لزوم تنظیم اعتقادات و مناسک خاص جهت سامان دادن و تقویت جامعه مسیحی.

## بررسی عوامل اساسی پیدایش سنت مسیحی

### ۱. پیدایش اختلاف در حدود و ثغور کتاب مقدس

نخستین نشانه‌های اختلاف در دوره آباء؛ یعنی، از سده‌ی ۱۰۰ میلادی که زمان خاتمه یافتن نگارش نوشته‌های عهد جدید است، تا آخرین شورای نهایی کالسدون در سال ۴۵۱ میلادی درباره‌ی حدود و ثغور کتاب مقدس بوده است. "مک گراث" این اختلاف را این چنین گزارش کرده است:

«از دیدگاه نویسندگان عهد جدید، اصطلاح «کتاب مقدس» اصولاً به معنای نوشته‌ای از عهد عتیق بود؛ اما پس از گذشت مدت کوتاهی نویسندگان اولیه مسیحی (مانند: ژوستین شهید، حدود ۱۰۰ - ۱۶۵) به عهد جدیدی اشاره کردند که قابل مقایسه با «عهد عتیق» بود و بر این نکته تأکید داشتند که هر دو، اعتبار یکسانی دارند. در دوران ایرنئوس (حدود ۱۳۰ - ۲۰۰) در مجموع اناجیل چهارگانه پذیرفته شده بود. در پایان قرن دوم، نوعی اجماع در اناجیل، اعمال رسولان، نامه‌ها و جایگاه کتاب مقدس الهام شده وجود داشت. به همین سبب، کلمنت اسکندرانی اناجیل چهارگانه، اعمال رسولان، چهارده رساله پولس (رساله به عبرانیان که به پولس نسبت داده می‌شد) و کتاب مکاشفه را پذیرفته بود. ترتولیان (حدود ۱۶۰ - ۲۲۵) اعلام کرده بود که «آثار انجیلی و رسولان» همانند کتاب شریعت و پیامبران است و هر دو در کلیسا دارای اعتبار است. توافق بر سر فهرست کتاب‌های الهام شده و ترتیب آن به تدریج حاصل شد. در سال ۳۶۷، آتاناسیوس (حدود ۳۹۶ - حدود ۳۷۳) فهرست سی‌ونه‌گانه خود را منتشر کرد و در آن، بیست‌وهفت کتاب از عهد جدید را قانونی اعلام کرد و این همان چیزی است که در این زمان نیز معروف است.» (مک گراث، ۱۳۸۲، ص ۴۴)

از آنچه درباره‌ی روند شکل‌گیری «عهد جدید» و اختلافات بر سر بخش‌هایی از آن یا نوع چینش آن آورده شد، به دست می‌آید که نخستین عرصه‌ای که کلیسا نقش خود را به عنوان سنت مقدس و قابل احترام بازی کرده، تعیین حدود و ثغور کتاب مقدس و حذف بخش‌های اختلافی و نیز شکل دادن آن به شکل کنونی بوده است که از سال ۱۰۰ میلادی تا سال ۳۲۳ میلادی؛ یعنی، طی حدود ۲۵۰ سال دنبال شد. و در این زمان، مسیحیان تصمیم‌گیری آباء مقدس و کلیسای نخستین درباره‌ی حدود، ثغور و چینش عهد جدید را به عنوان امری الهی قلمداد کرده که جای هیچ‌گونه تشکیک و تردید در آن نیست.





## ۲. پیدایش اختلاف بر سر فهم و تفسیر کتاب مقدس

دومین عرصه اختلاف در تاریخ مسیحیت، اختلاف بر سر نوع فهم و تفسیر بخش‌هایی از کتاب مقدس بود که گاه به سبب گستردگی اختلاف، تمام جهان مسیحیت را تحت تأثیر قرار می‌داد. سنت و نگرش کلیسا برای خاتمه دادن به این دست از اختلافات و بیان دیدگاه نهایی، الهیات مسیحی در این بخش از اختلاف‌ها بیش از هر چیز دیگر خودنمایی کرد. نخستین اختلاف بر سر ماهیت و هویت حضرت مسیح (علیه السلام) بود. «آیین گنوسی» یا «غنوصیان» (ناستیک‌ها) انسان بودن عیسی را انکار کرده و وی را فرشته‌ای می‌دانستند که معرفت اسرارآمیزی از خدا برای بشر آورده است. هم‌چنین گروهی دیگر به نام «دوکسیته‌ها» (ظاهرگرایان) معتقد بودند که عیسی فاقد جسم بشری بود. از این رو بر صلیب نمرد؛ بلکه وی فقط از نظر ظاهر به شکل انسانی در آمده بود. (سراسر فصل ۱۰، ۱۲، ۱۳ و ۱۴)

برای مقابله‌ی با جنبش «گنوسی» که از آن به نوعی بدعت‌گزاری یاد می‌شود، سنت به معنای «تفسیر سنتی کتاب مقدس» یا «ارایه‌ی ایمان مسیحی به شکلی سنتی» شکل گرفت.

دومین اختلاف مهم و دامنه‌دار، اختلاف دو تن از الهی‌دانان برجسته و اولیه‌ی مسیحیت؛ یعنی، آتاناسیوس (م. ۳۷۳) و آریوس (م. ۳۳۶) بر سر بشری بودن یا الوهیت مسیح بود. این مناقشات را یکی از سرنوشت سازترین مناقشات در تاریخ کلیسای مسیحی می‌دانند. آنان در این مسأله اتفاق نظر داشتند که کلمه‌ی خدا جسم شد و در عیسای انسان جای گرفت؛ اما در طبیعت و ماهیت کلمه اختلاف نظر داشتند. آتاناسیوس می‌گفت: کلمه‌ای که در عیسی تجسم یافت، ازلی، غیر مخلوق و از آغاز خدا بوده است؛ اما آریوس معتقد بود که کلمه‌ی خدا ازلی نیست؛ بلکه در زمان خلق شده و آن را خدا قبل از پدید آوردن جهان آفریده است. "آریوس" معتقد بود که عنوان کتاب مقدس برای مسیح که به وجودی هم‌رتبه با خدا برای او اشاره دارد، عناوینی صرفاً تشریفاتی است. مسیح را باید یک مخلوق، هرچند والاتر از سایر مخلوقات، دانست؛ اما در مقابل "آتاناسیوس" بر این باور بود که الوهیت مسیح، اهمیتی اساسی در فهم مسیحی از رستگاری دارد. اختلاف این دو الهی‌دان برجسته سراسر امپراتوری را دچار هرج و مرج ساخت. به گونه‌ای که قسطنطین (کنستانتین) نخستین امپراتور مسیحی، ناگزیر شد برای حل این اختلافات، تمام اسقف‌ها و متالهان مسیحی را از سراسر جهان را در شهر نیقیه (یا شهر ایزنیک در ترکیه امروزی) را گرد آورد و این نخستین شورای جهانی

مسیحیت است که به شورای نیقیه معروف است. این شورا پس از استماع دیدگاه‌های دو طرف، دیدگاه آتاناسیوس ترجیح داده و در نتیجه‌ی کلیسا به‌طور رسمی، به الوهیت عیسی مسیح رأی داد و خلاصه‌ی اعتقاد خود را به‌عنوان «قانون ایمان» منتشر ساخت که در آن اعلام شده است که مسیح کلمه خدا، از ذات و طبیعت خدا بوده و مخلوق نیست. پس از این نیز اختلافاتی بر سر تثلیث، آموزه فیض، استفاده از شمایل و تصاویر در کلیسا و... رخ داد که درباره‌ی هریک از آن‌ها شوراهای جمعی تشکیل شد و کلیسا با نظر اکثریت و ترجیح یکی از دیدگاه، آن نگرش را به عنوان معتقدات و مواد ایمان مسیحی اعلام کرد. بدین ترتیب، کلیسا به‌عنوان سنت مسیحی، منبعی برای فهم و تفسیر کتاب مقدس در طول تاریخ نقش‌آفرینی کرده است.

عموم متالهان مسیحی، از آن جهت از کلیسا به‌عنوان سنت مسیحی و مفسر کتاب مقدس حمایت می‌کردند که معتقد بودند اگر مقامی رسمی برای تفسیر کتاب مقدس و اراییه دیدگاه نهایی وجود نداشته باشد، دین به هرج و مرج تبدیل می‌گردد. حتی «مارتین لوتر» به‌عنوان پرچم‌دار اصلاح مسیحی که از او به‌عنوان تضعیف‌کننده جایگاه کلیسای سنتی یاد می‌شود، بر این اعتقاد پای فشرده است. او می‌گوید:

«بدین ترتیب، کتاب به دست هر عامی از راه رسیده افتاد که خیال می‌کند آن را بهتر از هرکس می‌فهمد و قانون و ضابطه کلی، قربانی این و آن شده و کاملاً در اختیار عوام.» (آیستریک گرات،

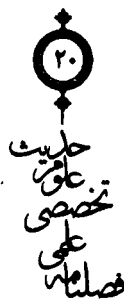
۱۳۸۲، ص ۴۱۲)

### ۳. سکوت کتاب مقدس از تبیین برخی از آموزه‌ها یا اعمال مسیحی

در قرن چهاردهم و پانزدهم، برداشتی از سنت مطرح شد که «سنت» منبعی متمایز در باب مکاشفه بود که علاوه بر کتاب مقدس تلقی می‌شد. چنین استدلال می‌شد که کتاب مقدس درباره‌ی شماری از موضوعات ساکت است؛ اما خداوند به مشیت خود منبع ثانوی در باب مکاشفه را ترتیب داده تا این نقیصه را جبران کند و این همان سنت نامکتوب است که ریشه‌ی آن به خود رسولان برمی‌گردد. این سنت از نسلی به نسلی دیگر در کلیسا انتقال یافته است.

شورای ترنت، مقرر کرد که نمی‌توان کتاب مقدس را تنها منبع مکاشفه دانست. از این‌رو کتاب مقدس و سنت را به یکسان الهام یافته از روح القدس دانست.

«این حقیقت و انضباط در متون مکتوب مندرج است و نیز در سنت نامکتوب رسولان که آن را از لبان خود عیسی مسیح شنیده یا خودشان به املا‌ی روح القدس گفته‌اند، گویی دست به دست ما رسیده است.» (همان، ۱۳۸۴، ص ۳۹۰)



#### ۴. لزوم تنظیم اعتقادنامه‌ها و مناسک خاص مسیحی

اعتقادنامه «**creed**» برگرفته از واژه لاتینی «**credo**» به معنای «من اعتقاد دارم» است و به معنای بیانیه‌های رسمی است که در آن اعتقادات و باورهای مسیحی انعکاس یافته است. اعتقادنامه‌ها به عکس اعتراف‌نامه‌ها که به یک فرقه‌ی خاص اختصاص دارد، تمام کلیسای مسیحی را در بر می‌گیرد. از نظر صاحب‌نظران مسیحی علت اصلی پیدایش این اعتقادنامه‌ها، نیاز شدید به ارایه‌ی خلاصه‌ای سهل‌الوصول از آیین مسیحیت بود که در مناسبت‌های عمومی قابل استفاده باشد؛ نظیر آیین تعمید که در کنار پذیرش نوکیشان عقاید مسیحی به آنان ابلاغ می‌شد. اعتقادنامه رسولان و اعتقادنامه نقیه از مشهورترین اعتقادنامه‌های مسیحیان است که در مراسم مهم و عمومی خوانده می‌شود. در اعتقادنامه رسولان از خدا، عیسی مسیح، و روح القدس و نیز الوهیت مسیح و روز رستاخیز صحبت به میان آمده است. در اعتقادنامه نقیه ضمن تأکید بر الوهیت عیسی، این جملات گنجانده شده است:

«اما کلیسای جهانی و رسولان، کسانی را که سخنان زیر را می‌گویند لعنت می‌کند: "زمانی بوده است که پسر وجود نداشته است"، "او وجود نداشته است و بعد به وجود آمده است"، " او از نیستی به وجود آمده است."» (همان، ص ۵۷ و ۵۸)

کلیسا افزون بر اعتقادنامه‌ها، اعمال و مناسکی ویژه را طراحی کرد که به اذعان عموم متالهان مسیحی در کتاب مقدس از آن‌ها گفت‌وگو نشده است. نظیر آیین تعمید، علامت صلیب، یا چرخیدن به سمت شرق در حین عبادت یا نیایش مخصوص عشاء ربانی، یا سه بار غوطه‌ور خوردن در آب غسل تعمید. (گرومی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۳۷)

#### جایگاه سنت در میان متالهان مسیحی

از مباحث پیش‌گفته دانسته شد که سنت مسیحی عبارت است از: «آموزه و اعمال کلیسا از آغاز تاکنون که یا بیانگر تفسیر کتاب مقدس است یا بیان‌گر آن دسته از آموزه‌ها و اعمالی است که کتاب مقدس از آن‌ها ساکت است.»

بر اساس این تعریف حداقل یکی از دو ویژگی ذیل برای کتاب مقدس امری مسلم فرض شده است:

۱. نیازمندی به شرح و تبیین؛
۲. سکوت درباره‌ی برخی از آموزه‌ها و مناسک دینی.



چنان‌که از این تعریف بر می‌آید که کلیسا دارای دو نقش اساسی در برابر کتاب مقدس است که عبارتند از:

۱. تبیین و تفسیر کتاب مقدس؛

۲. آرایه‌ی آموزه‌ها و مناسک دینی مسکوت گذاشته شده در کتاب مقدس.

حال اگر کسی در هریک از دو ویژگی کتاب مقدس یا یکی از دو نقش پیش‌گفته کلیسا تردید کند، عملاً یا به بی‌اعتباری سنت مسیحی رأی داده یا حوزه‌ی اعتبار آن را محدود ساخته است. تاریخ کلیسا و دیدگاه‌های متالهان مسیحی از آغاز تاکنون، نشان می‌دهد که به استثنای محور نخست و نیازمندی کتاب مقدس به تفسیر، درباره‌ی محورهای سه‌گانه پیش‌گفته اختلافات نسبتاً اساسی وجود دارد.

بر این اساس و با توجه به تاریخ تحولات کلیسا در نوع نگرش به سنت، سه نگرش نسبت به جایگاه سنت در مقایسه با کتاب مقدس شکل گرفت که عبارتند از:

۱. دیدگاه دو منبعی؛

۲. دیدگاه تک منبعی و انحصار تفسیر کتاب مقدس به کلیسا؛

۳. دیدگاه تک منبعی و فراگیری تفسیر آن به عموم مردم.

### ۱. دیدگاه دو منبعی (کتاب مقدس و سنت کلیسا دو منبع مستقل دین‌شناخت)

همان‌گونه که از بررسی مفهوم اصطلاحی سنت و بررسی عوامل پیدایش این پدیده، بیان شد اکثریت قریب به اتفاق متالهان مسیحی دو ویژگی پیش‌گفته کتاب مقدس را مورد تأکید قرار دادند؛ یعنی، از یک سو آنان معتقدند که کتاب مقدس نیازمند تبیین و تفسیر است و از سوی دیگر بر این باورند که برخی دیگر از اعمال و آموزه‌های مسیحیت در کتاب مقدس مسکوت گذاشته شده است. از دیگر سو آنان برای کلیسا هر دو نقش پیش‌گفته؛ یعنی، شایستگی تفسیر کتاب مقدس و تنظیم آموزه‌ها و اعمال مسیحی را قایل شدند؛ در نتیجه چنان‌که از آرایه‌ی نمونه‌ها دانسته شد، کلیسا شایستگی یافت، آموزه‌هایی هم‌چون الوهیت مسیح و تثلیث را که به گمان بعضی در کتاب مقدس به صراحت نیامده است و نیز مناسکی هم‌چون

غسل تعمید اطفال و غسل نوکیشان را به‌عنوان آموزه‌ای از آموزه‌های مسیحیت به تصویب رساند. از این دیدگاه با عنوان «سنت ۲» یا نظریه‌ی «دو منبعی» یاد می‌شود. به این معنا که خداوند برای شناخت آموزه‌ها و اعمال مسیحی دو منبع: کتاب مقدس و سنت مسیحی را قرار داده است.

شورای ترنت در سال ۱۵۴۶ ضمن تأیید نظریه دو منبعی، اعلام کرد که ایمان

مسیحی به وسیله‌ی دو منبع؛ یعنی، کتاب مقدس و سنت غیرمکتوب به نسل‌های مختلف انتقال می‌یابد و این سنت اضافه شده بر کتاب مقدس را می‌بایست در حجیت و اعتبار هم‌سنگ کتاب مقدس دانست. (السرمد کت، ۱۳۸۲، ص ۳۱۳ و ۳۱۴)

بر اساس این دیدگاه، سنت دارای بالاترین ارج و منزلت می‌باشد که افزون بر به رسمیت شناخته شدن به‌عنوان منبعی مستقل، هم‌سنگ و هم‌عرض کتاب مقدس نیز معرفی شده است.

این نگرش در حوزه‌ی آموزه‌های اسلامی را می‌توان همان نظریه‌ی رایج و پذیرفته شده در میان متکلمان، محدثان و فقیهان مسلمان دانست که در کنار قرآن به سنت به‌عنوان منبعی مستقل و نیز هم‌سنگ قرآن می‌نگرند؛ البته در میان اهل سنت، به استناد حدیث، «اوتیت القرآن و مثله معه» مقصود از این سنت، منحصرأ سنت نبوی یا سنت صحابه است؛ اما در میان شیعه مقصود از سنت، اعم از سنت

نبوی و ولوی است به استناد حدیث ثقلین «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی».

نگارنده در کتابی مبسوط با عنوان «رابطه متقابل کتاب و سنت» این مدعا را مدلل ساخته که دیدگاه رایج میان اندیش‌وران مسلمان، دوگانه بودن دو منبع کتاب و سنت و نیز هم‌عرضی سنت در برابر کتاب است.<sup>۱</sup>

**۲. نهضت اصلاحی اقتدارگرا (دیدگاه تک‌منبعی و انحصار تفسیر کتاب مقدس به سنت)**

مدافعان این نهضت که "مارتین لوتر" را می‌توان بنیان‌گذار آن دانست، معتقدند که کتاب مقدس در عین جامعیت، نیازمند تفسیر و تبیین است؛ اما برای آن که تفسیر و تبیین آن دچار هرج‌ومرج نشود، تنها کلیسای مسیحی؛ البته بیشتر آنچه از آباء و متالهان نخستین مسیحی نقل شده، مجاز به تفسیر آن هستند؛ اما با این حال کلیسا حق ندارد از پیش خود اعمال یا آموزه‌هایی را به‌عنوان الهیات و دین مسیحیت جعل کند؛ زیرا مبنای این عملکرد، عدم جامعیت کتاب مقدس است که از نظر آنان مردود است؛ بنابراین نهضت اصلاح‌گرایی اقتدارگرا از میان دو ویژگی کتاب مقدس تنها ویژگی نخست؛ یعنی، نیازمندی به تفسیر و از

۱- این کتاب از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دست چاپ است.

میان دو مقام مورد ادعای کلیسا تنها مقام نخست؛ یعنی، تفسیر کتاب مقدس را پذیرفت. بدین جهت مدافعان این نظریه، تفاسیر سنتی از کتاب مقدس نظیر الوهیت مسیح و آموزه تثلیث و آیین‌های سنتی هم‌چون تعمید اطفال، بدان جهت که با کتاب مقدس هم‌خوانی داشت تأیید کردند.

بر اساس این نظریه «سنت، منبع اطلاعاتی مکمل انجیل مسیح نیست؛ اما نشان‌گر کیفیت تفسیر کتاب مقدس و حیات در طول نسل‌های پیاپی در دوران کلیسا است.» (مابون مینی، ۱۳۶، ص ۴۷) از این نظریه، در اصطلاح به نظریه‌ی «سنت ۱» یاد می‌شود که به اعتبار سنت مسیحی تنها در محدوده‌ی تفسیر کتاب مقدس باورمند است.

این نظریه در میان مسلمانان شبیه دیدگاه گروهی از اخباریان مبنی بر انحصار تفسیر قرآن برای اهل بیت (علیهم‌السلام) است؛ یعنی، تفسیر قرآن تا آن‌جا حجت است که اهل بیت (علیهم‌السلام) اظهار نظر کرده باشند.

### ۳. نهضت اصلاح‌گران بنیادستیز (انحصار منبعیت در کتاب مقدس و فراگیری تفسیر آن به عموم مردم)

به این معنا که گروهی از متالهان مسیحی با انکار ویژگی نخست کلیسا مبنی بر شایستگی برای تفسیر کتاب مقدس و بالطبع به طریق اولی با انکار شایستگی دوم مبنی بر ارایه‌ی آموزه‌ها و اعمال جدید و با تأکید بر این نکته که هر مسیحی با هدایت و الهام روح القدس می‌تواند به تفسیر کتاب مقدس نایل آید، انحصار تفسیر کتاب مقدس به کلیسا را شکستند و در نتیجه تمام آموزه‌ها و اعمالی نظیر الوهیت عیسی (علیهم‌السلام) و غسل تعمید که از سوی کلیسا به‌عنوان تفسیر کتاب مقدس یا تبیین آموزه‌ها و اعمال مسکوت گذاشته را در کتاب مقدس اعلام شده بود، باطل اعلام کردند.

از این دیدگاه در اصطلاح با عنوان «سنت صفر» یا «مدافعان اصل فقط کتاب مقدس» یاد می‌شود؛ یعنی، دیدگاهی که برای سنت هیچ ارزش و جایگاهی قایل نیست و از مدافعان این دیدگاه هم‌چون «توماس مونترز» و «کاسپار شونکفلد» به‌عنوان «نهضت اصلاح‌گرایی بنیادستیز آناپتیسیم» و به تعبیر «لوتر» «افراطیان» یاد می‌شود.

مدافعان این نگرش معتقدند هر کسی می‌تواند با توجه به راهنمایی روح القدس به تفسیر کتاب مقدس آن‌گونه که می‌پسندد، پردازد. از دیدگاه شخصی افراطی چون «سباستین فرانک» کتاب مقدس، کتابی است که هفت‌بار مهر و موم شده و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون استفاده از کلید داود که تجلی روح القدس است، آن را

بگشاید. (الستر مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۴۱)

مقصود از تجلی روح القدس همان الهام الهی است که از نظر متالهان مسیحی، همه‌ی مردم از آن بهره دارند. پس چنان نیست که فقط رسولان یا اصحاب کلیسا منحصرأ از فیض روح القدس برای تفسیر کتاب مقدس برخوردار باشند تا تنها دعاوی و تفاسیر آن‌ها حجت باشد. مدافعان نهضت اصلاح‌گرایی بنیادستیز براساس همین مبانی، آیین تعمیم اطفال را که در عهد جدید هیچ اشاره دقیق و صریحی به آن نشده و نیز آموزه‌هایی هم‌چون تثلیث و الوهیت مسیحی را که از زیربنایی کافی در کتاب مقدس برخوردار نبود، انکار کردند. مدافعان این دیدگاه، افزون بر آموزه‌ها و اعمال ارایه شده از متالهان متأخر مسیحی، تمام تفاسیر نقل شده از آباء و متالهان نخستین مسیحی را انکار کردند. در سال ۱۵۳۰ "سباستین فرانک" چنین نوشت:

«به مدد الهی دریافتم که حتی یکی از این احمقان - امبروز، آگوستین، جروم،

گریگوری - خدا نشناخته و خدا هیچ‌یک را برای تعلیم نفرستاده است و همگی

اینها رسولان ضد مسیح بودند.» (همان، ص ۳۱۱)

چنان‌که دیدیم در تعریف سنت مسیحی، کلیسا به‌عنوان مفسر کتاب مقدس یا بازگو کننده اعمال و آموزه‌های مسکوت گذاشته شده در کتاب مقدس، شایستگی تام دارد و بر همین اساس در بررسی عوامل شکل‌گیری سنت مسیحی، نقش کلیسا در این دو حوزه و تثبیت آموزه‌هایی هم‌چون الوهیت مسیح یا اعمالی نظیر غسل تعمید را بیان گردید. پیداست که بر اساس دیدگاه نهضت اصلاح‌گرایی بنیادستیز جایی برای سنت باقی نمی‌ماند. بدین جهت در تحلیل این دیدگاه گفته می‌شود که آنان عملاً به نظریه‌ی «تک منبعی» رأی داده‌اند. پیداست که لوازم این نگرش آن است که کتاب مقدس از هر جهت جامع است و چیزی در آن مسکوت گذاشته نشده تا نیازمند آرا و آموزه‌های کلیسا باشد.

این دیدگاه را در اسلام می‌توان به دیدگاه "قرآنیون" شبیه دانست که به‌خاطر تأخیر در تدوین سنت نبوی و راه‌یافت جعل در آن، سنت را بی‌اعتبار دانسته و معتقدند تنها منبع فهم دین قرآن است.<sup>۱</sup>

با نگاه به سه دیدگاه معلوم می‌شود که درباره‌ی جایگاه سنت در میان مسیحیان، سه دیدگاه

۱. برای آگاهی بیشتر از دیدگاه «قرآنیون» و نقد آن رک، «درسات فی الفرق القرآنیون و شبهاتهم حول السنه»، رابطه متقابل کتاب و

کاملاً متفاوت وجود دارد که بر اساس نگرش نخست، سنت هم‌پای کتاب مقدس و به‌عنوان منبعی مستقل قلمداد می‌گردد و بر اساس نگرش دوم، سطح آن تا حد تفسیر کتاب مقدس متوقف می‌ماند؛ اما بر اساس نگرش سوم، به هیچ روی معتبر شناخته نمی‌شود.

نقاط اشتراک و افتراق مفهوم و کارکرد سنت در اسلام و مسیحیت از آنچه در بررسی مفهوم، کارکرد و جایگاه سنت از نگاه اسلام و مسیحیت بیان گشت، نتایج زیر حاصل می‌شود:

### الف. مشترکات

۱. سنت، چه به معنای منبعی مستقل برای استخراج گزاره‌های دینی و چه به‌عنوان مبین و مفسر کتاب آسمانی - قرآن و کتاب مقدس - امری گریزناپذیر است. هرچند در میان مسلمانان گروهی اندک هم‌چون فرقه‌ی قرآنیون و در میان مسیحیت مدافعان نهضت اصلاح‌گرای بنیادستیز، تنها منبع فهم دین را به ترتیب قرآن و کتاب مقدس دانسته و هیچ نقشی را برای سنت قایل نیستند.

۲. سنت از نگاه اسلام و مسیحیت از آن جهت که به نوعی با آسمان پیوند برقرار کرده، دارای اعتبار و حجیت است. در میان مسیحیت این اعتبار به دو جهت دانسته شده است:

الف. بخشی از سنت که از رسولان و حواریان گزارش شده، حکایت‌گر گفتار و کردار مسیح (ﷺ) است و از این جهت که مستند به عیسی است، به‌سان کتاب مقدس دارای اعتبار است.

ب. بخشی دیگر از سنت که مربوط به کلیسا و پدران مقدس است، از آن جهت که از الهام روح القدس بهره دارد، دارای اعتبار است؛ اما از نظر مسلمانان، سنت تنها از آن جهت که به پیامبر یا اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان معصومان منتسب بوده و بالطبع به واسطه‌ی آنان به خداوند منسوب است، دارای حجیت است. درباره‌ی سنت صحابه تنها شماری اندک هم‌چون ابواسحاق شاطبی قایل به استقلال در حجیت شده‌اند. در حالی که عموم عالمان اهل سنت به‌سان متکلمان شیعه برای سنت صحابه و به طریق اولی برای سنت تابعان تنها از آن جهت که حکایت‌گر سنت پیامبر است، حجیت قایل شده‌اند.

۳. چنان‌که اشاره شد، میان عالمان مسیحی و مسلمان از این جهت که برای سنت بر اساس نوع نگرش به کتاب آسمانی خود و کارکرد سنت، دو نقش حداکثری یا حداکثری قایل هستند، اشتراک وجود دارد. عالمان مسلمان عموماً سنت را دومین منبع دین‌شناخت پس از قرآن می‌شناسند که می‌توان از آن گزاره‌های





دینی استخراج کرد و با توجه به این که اهتمام قرآن بیان کلیات و مسکوت گذاشتن شماری از آموزه‌ها و اعمال است و در آن بر مراجعه به سنت به عنوان مفسر یا منبعی مستقل تأکید شده، نیازمندی به سنت با جامعیت قرآن منافات ندارد. البته گروه قرآنیون و شماری محدود از متفکران مسلمان برای سنت هیچ اعتباری قایل نیستند؛ اعم از این که این نقش تبیینی است یا **فوقستری**.

متکلمان مسیحی نیز براساس دو دیدگاه «سنت ۱» یا دیدگاه حداکثری و «سنت ۲» یا دیدگاه حداقلی برای سنت یکی از دو نقش را قایل هستند. بر اساس «دیدگاه سنت ۱» سنت، تنها نقش تفسیر و تبیین کتاب مقدس را بر عهده دارد؛ زیرا کتاب مقدس جامع بوده و چیزی از آموزه‌های دینی، در آن مسکوت گذاشته نشده است؛ اما بر اساس دیدگاه «سنت ۲» سنت، افزون بر نقش تفسیر و تبیین کتاب مقدس به عنوان منبعی مستقل و هم‌سنگ با کتاب مقدس نقش آفرینی کرده است.

## ب. تفاوت‌ها

میان سنت مسیحی و سنت اسلامی از سه جهت اساسی، تفاوت است که عبارتند از:

۱. زمان شکل‌گیری پدیده سنت؛
۲. گستره‌ی زمانی کارکرد سنت؛
۳. منشأ حجیت سنت.

### ۱. زمان شکل‌گیری پدیده سنت

در اسلام، مفهوم سنت هم‌زاد با نزول آیات قران و با اعتباربخشی به قول و فعل پیامبر (ﷺ) تحقق می‌یابد و به‌گونه‌ای که مسلمانان از آغاز می‌دانستند که می‌بایست در کنار آیات قرآن به رسول اکرم (ﷺ) برای تفسیر آیات قرآن و تبیین آموزه‌های مسکوت گذاشته شده در قرآن به پیامبر مراجعه کنند. چنان‌که قرآن در کنار روایاتی از پیامبر (ﷺ) بر حجیت و اعتبار سنت ولوی تأکید کرده است؛ بنابراین در اسلام چنان نبود که پس از گذشت یک یا دو سده‌ی از رحلت پیامبر (ﷺ) کسی درباره‌ی نیازمندی به سنت و لزوم اعتباربخشی به آن سخن گفته باشد؛ در حالی که در جهان مسیحیت چنان‌که اشاره شد، پس از گذشت بیش از یک سده‌ی از عروج عیسی مسیح (ﷺ) و از دوره آباء، با پدید آمدن اختلاف بر سر برخی از آموزه‌های مسیحیت هم‌چون الوهیت مسیح، یا آموزه‌ی تثلیث یا برای تنظیم اعتقادنامه‌ها و اعمال



مسیحی و با دخالت مستقیم کلیسا در این زمینه و تشکیل شوراهای مشورتی و پس از صدور آراء، سنت شکل گرفت.

## ۲. گستره‌ی زمانی کارکرد سنت

همان‌گونه که از تعریف اصطلاحی سنت مسیحی دانسته شد، سنت به معنای آموزه‌ها و اعمال کلیسا از آغاز تاکنون است. بر این اساس نه تنها سنت نقل شده از کلیسا از دوره آباء برای مسیحیان معتبر است؛ بلکه آنچه را که امروز کلیسای مسیحی به عنوان اعمال یا آموزه‌ای دینی اعلام می‌کند، هم‌چنان بسان کتاب مقدس و هم‌سنگ با آن دارای حجیت خواهد بود. با توجه به این‌که نقش سنت از نگاه مسیحیت تنها به تفسیر و تبیین و رفع ابهام‌های کتاب مقدس محدود نمی‌گردد و کلیسا به عنوان منبع مستقل و دین‌شناخت شناخته شده، می‌توان به میزان خطیر بودن ادعای گستردگی کارکرد سنت از آغاز تاکنون پی‌برد. آیا متکلمان و مثالان مسیحی تا این اندازه با استناد به ادعای بهره‌مندی کلیسا، از فیض روح القدس بدون هیچ کم‌وکاستی ایمان دارند که نگران لغزش کلیسا و در غلتیدن در خطاهای فکری و عملی نباشند؟!

این درحالی است که کارکرد سنت از نگاه عالمان اهل سنت تا دوران رحلت پیامبر (ﷺ) در سال دهم هجری و از نگاه عالمان شیعه تا آغاز غیبت کبری در سال (۳۲۹ هجری) پایان پذیرفته است. باری، از نگاه شیعه اگر امام عصر (ﷺ) ظهور کند با حضور معصومانه او سنت هم‌چنان دارای کارکرد خواهد بود؛ اما این کجا و ادعای استمرار حجیت سنت کلیسا تا به امروز کجا؟!

## ۳. منشأ حجیت سنت

چنان‌که اشاره شد، منشأ حجیت سنت پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) عصمت آنان و استناد به وحی مستقیم یا غیرمستقیم الهی است؛ به این معنا که معتقدیم به استناد آیه «ما ینطق عن الهوی» فعل و قول معصوم آینده‌ی تمام‌نمای اراده و خواست الهی بوده و به مثابه‌ی آن است که خداوند خود به آن فعل یا قول فرمان داده باشد؛ چه، باورمندی به مقوله‌ی عصمت، نه

تنها تعمد به کذب؛ بلکه هر گونه احتمال راه‌یافت خطا در افعال یا اقوال معصوم را منتفی می‌سازد؛ اما در مسیحیت منشأ حجیت سنت با صرف‌نظر از سنت منقول

از حواریان عیسی (ﷺ) که منتسب به آن پیامبر آسمانی است، منشأ سنت کلیسا که بیشترین کارکرد سنت مسیحی در این عرصه است، الهام روح القدس دانسته شده است.

باید پرسید، آیا الهامی که هویت و حقیقت و گستره فراگیری آن هم‌چنان در

۲۸

حجیت  
عقود  
تخصیصی  
علی  
فصلنامه

هاله‌ای از ابهام قرار دارد و احتمال هرگونه اشتباه در تلقی آن هیچ‌گاه منتفی نیست، چگونه می‌تواند مبنای حجیت سنت باشد؟! اگر چنین الهامی روشن، وجود داشته باشد، چرا در منازعه میان "آتاناسیوس" که به الوهیت عیسی (ﷺ) اعتقاد داشت و "آریوس" که به بشری بودن عیسی (ﷺ) باورمند بود، تنها "آتاناسیوس" از الهام الهی بهره‌مند بوده که شورای نیقیه به نفع آتاناسیوس رأی داد؟! و اگر چنین الهامی حقیقت داشته باشد، چرا از آغاز تاکنون میان سه فرقه‌ی اصلی مسیحیت یعنی کاتولیک، ارتودکس و پروتستان در بسیاری از مسایل مهم الهیات نظیر حدود و ثغور کتاب مقدس، آموزه‌هایی هم‌چون تثلیث و الوهیت مسیح اختلاف وجود دارد؟ و چرا الهی‌دانانی که منکر اساس اعتبار سنت هستند؛ نظیر اصلاح‌گرایان بنیادستیز، از چنین الهامی بهره ندارند؟! آیا کلیسای کاتولیک می‌تواند مدعی باشد که تنها پاپ‌ها و اسقف‌های این کلیسا، آن-هم در جایی که دارای اکثریت باشند، از الهام روح القدس بهره دارند؟!

### خلاصه و نتیجه‌گیری

- از مجموع مطالبی که در این مقاله در باره‌ی بررسی تطبیقی میان سنت اسلامی و سنت مسیحی، ارایه شده، به نتایج ذیل می‌توان دست یافت:
- از نگاه عموم متکلمان و متالهان اسلام و مسیحیت نیاز به سنت به‌عنوان مفسر قرآن و کتاب مقدس یا بیانگری آموزه‌ها و مناسک مسکوت گذاشته شده در کتاب آسمانی، اجتناب‌ناپذیر است.
  - سنت از نگاه مسلمانان به معنای گفتار، کردار و تقریر معصومان است؛ هرچند عالمان اهل سنت، معصوم را در رسول اکرم منحصر ساخته و عالمان شیعه شامل ائمه (علیهم‌السلام) می‌دانند؛ اما از نگاه متالهان مسیحی، سنت عبارت است از آموزه‌ها و اعمال رسمی کلیسا از آغاز تاکنون.
  - منشأ حجیت سنت از نگاه مسلمانان، عصمت حاملان آن و بهره‌مندی از وحی غیرمستقیم الهی است؛ اما از نگاه متالهان مسیحی، سنت کلیسا به‌خاطر وجود و استمرار الهام روح القدس دارای اعتبار می‌باشد.
  - سنت اسلامی همزاد با نزول آیات الهی و در سایه‌ی رهنمون قرآن شکل گرفت؛ اما سنت مسیحی در طی روزگاری طولانی و در پی نیاز به کلیسا، برای رفع مناقشات علمی و جعل تشریفات و مناسک دینی و... پدید آمد.
  - گستره‌ی سنت اسلامی به معصومان و نهایتاً تا سده‌ی سوم محدود است؛ اما سنت مسیحی تاکنون و همیشه می‌تواند ادامه داشته باشد.

## کتاب نامہ

۱. قرآن
۲. نہج البلاغہ
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزہ، ۱۴۰۵.
۴. الہی بخش، خادم حسین، دراسات فی الفرق القرآنیون و شبہاتہم حول السنہ، طائف، مکتبہ الصدیق، ۱۴۰۹.
۵. جرجانی، علی بن محمد، کتاب التعریفات، تہران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۰۶.
۶. حکیم، سید محمد تقی، اصول العامہ للفقہ المقارن، قم، مؤسسہ آل البیت (علیہ السلام)، ۱۳۹۰.
۷. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، انوارالہدی، ۱۴۰۱.
۸. راغب اصفہانی، محمد حسین، المفردات فی غریب القرآن، تہران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۶۲.
۹. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المکتبۃ الحیاء، بی تا.
۱۰. زرقانی عبدالعظیم، مناهل العرفان، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۹۸۸ م.
۱۱. سرخسی، ابوبکر محمد بن احمد، اصول السرخسی، تحقیق ابوالوفاء افغانی، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۴.
۱۲. شاطبی، ابواسحق، الموافقات فی اصول الشریعہ، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۳.
۱۳. شہید ثانی، زین الدین، الرعاۃ فی علم الدراہ، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی، ۱۴۱۳.
۱۴. شیخ بہایی، حسین بن عبدالصمد، وصول الاخیار الی اصول الاخیار، قم، مجمع الذخائر الاسلامیہ، ۱۴۰۱.
۱۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، التذکرۃ باصول الفقہ، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴.
۱۶. صدر، سید حسن، نہایہ الدراہ فی شرح الرسالہ، قم، نشر مشعر، بی تا.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعہ مدرسین، بی تا.
۱۸. طبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان فی علوم القرآن، تہران، انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
۱۹. عجاج خطیب، محمد، اصول الحدیث، علومہ و مصطلحہ، بیروت، دارالفکر،



حلیہ  
علوی  
تخصیصی  
علی  
صلواتہ

۱۴۰۹.

۲۰. عجلونی، اسماعیل، كشف الخفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنه الناس، چاپ سوم، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸.

۲۱. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری فی شرح صحيح البخاری، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۳.

۲۲. عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستين، بيروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰.

۲۳. قزوینی، محمدبن یزید، سنن ابن ماجه، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۳.

۲۴. قلعهچی، محمد رؤاس، معجم لغة الفقهاء، بيروت، دارالنفائس، بی تا.

۲۵. قمی، میراز ابوالقاسم، قوانین الاصول، چاپ سنگی، بی جا، بی تا.

۲۶. گروهی از نویسندگان، مقدمه‌ای بر شناخت مسیحیت، ترجمه و تدوین همایون همتی، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹.

۲۷. م. گرنٹ، رابرت و تریسی، دیوید، تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی

کتاب مقدس، ترجمه ابوالفضل ساجدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

۲۸. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه، بيروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۱.

۲۹. مبارکفوری، محمد عبد الرحمن، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، بيروت، دار الکتب العلميه، ۱۴۱۰.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الانمه الاطهار (علیهم السلام)، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.

۳۱. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵.

۳۲. مک گراث، آلیستر، مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲.

۳۳. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۹.

۳۴. نصیری، علی، رابطه متقابل کتاب و سنت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در دست انتشار.

